دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی

سال شانزدهم، شماره‌ی ۵۶
زمستان ۱۳۹۵، صفحات ۵۱-۳۳

محمد قضایی[۱]
عبدالرضا پاکشیر[۲]
سهند لطفی[۳]
علی سلطانی[٤]
علی گلی[٥]

# بررسی جدایی‌گزینی‌های شهری گروه‌های مختلف جمعیتی شهر مشهد با تأکید بر ویژگی‌های سکونت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۲۳

## چکیده

عدالت فضایی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که امروزه ذهن بسیاری از برنامه‌ریزان شهری را به‌خود اختصاص داده است. جدایی‌گزینی‌های شهری یکی از عواملی است که مانع از تحقق عدالت فضایی در سطح کلان‌شهرها می‌شود و زمینه را برای تجمع گروه‌ها با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی مشابه در یک محدوده فراهم می‌کند. گاهی اوقات این امر منجر به جدایی گروه‌های محروم و مرفه در سطح شهر شده و مانع از تماس‌های بین طبقاتی که زمینه‌ساز افزایش محرومیت، فقر و بزه‌کاری می‌باشد؛ می‌شود. هدف این پژوهش بررسی الگوهای فضایی جدایی‌گزینی در شهر مشهد به‌عنوان دومین کلان‌شهر ایران می‌باشد. به همین منظور با توجه به این‌که مسکن یک نمود کالبدی از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارهای ساکن در آن می‌باشد و خود یک نقش مهم و کلیدی در شهر ایفا می‌کند، شش متغیر بعد خانوار، مساحت منازل مسکونی، تعداد اتاق در واحد مسکونی، کیفیت ساختمان‌ها، طول

۱- دانشجوی دکتری شهرسازی، بخش شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس. E-mail: mohammad.ghazaie@yahoo.com
۲- استادیار برنامه‌ریزی شهری، بخش شهرسازی، دانشگاه شیراز.
۳- استادیار طراحی شهری، بخش شهرسازی، دانشگاه شیراز.
٤- دانشیار طراحی و برنامه‌ریزی شهری، بخش شهرسازی، دانشگاه شیراز.
٥- دانشیار علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز.

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]

عمر آن‌ها و وضعیت مالکیت واحدهای مسکونی به‌منظور سنجش میزان جدایی‌گزینی‌های گروه‌های مختلف اجتماعی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان می‌دهند که کیفیت منازل مسکونی شهر مشهد در مقایسه با سایر متغیرها بالاترین میزان جدایی‌گزینی چند گروهی را به‌خود اختصاص داده است و از ناهمگونی بالایی برخوردار است. علاوه بر این نتایج نشان می‌دهند که با افزایش مساحت واحدهای مسکونی تعداد اتاق در واحد مسکونی افزایش می‌یابد حال آن‌که با توجه به این‌که گروه‌های محروم قادر به زندگی در مناطق مرفه شهر نمی‌باشند برای این‌که بتوانند با هزینه کم‌تر مساحت بیش‌تری برای زندگی داشته باشند نواحی شرقی شهر را که در مقایسه با نواحی غربی از مساحت تفکیک و قیمت زمین پایین‌تری برخوردار هستند را برای زندگی انتخاب می‌کنند؛ همین امر منجر به افزایش بعد خانوار علی‌رغم کاهش مساحت واحدهای مسکونی می‌شود.

**کلید واژه‌ها:** جدایی‌گزینی گروه‌ها، عوامل اقتصادی-اجتماعی، واحدهای مسکونی، کیفیت مسکن، مشهد.

**مقدمه**

رشد سریع شهرنشینی که در سال ۲۰۰۸ به حداکثر خود رسیده در کشورهای درحال‌توسعه هم‌زمان با سیاست‌های شهری گمراه کننده، یک نظم انحصاری شهری را ایجاد کرده است که بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی را بازتاب و تکثیر می‌کند. مطالعه جدایی‌گزینی به‌طور کلی با این هدف مورد توجه قرار گرفته است که بتواند درکی از مکان‌یابی افراد در فضاهای اجتماعی ایجاد کند (واتس[6]، ۲۰۰۷: ۱٦٥). به‌منظور از بین بردن این نابرابری‌های صورت گرفته، لازم است تا موانعی را که مانع از آرایش یکپارچه شهرها می‌شوند شناسایی و از بین برد. جدایی‌گزینی شهری که با گذشت قرن‌ها از پیدایش شهرنشینی، هنوز یکی از مهم‌ترین انگیزش‌ها در روند شکل‌گیری و جدا کردن گروه‌های مختلف اجتماعی در شهرها می‌باشد (نایتینگل[7]، ۲۰۱۳: ۲-۳)، یکی از این موانع را نشان می‌دهد که با تأثیراتش، انواع محرومیت را در شهرهای درحال‌توسعه افزایش داده است (یوان هبیتات[8]، ۲۰۰۱: ۸)؛ بنابراین افزایش تماس‌های درون طبقاتی و کاهش تماس‌های بین طبقاتی منجر به کاهش نقش طبقات متوسط و ایجاد نابهنجاری‌های اجتماعی در محلات خواهد شد (افروخته و عبدلی، ۱۳۸۸: ٥٦). لذا پرداختن به پدیده جدایی‌گزینی‌های شهری بسیار ضروری به‌نظر می‌رسد چرا که میزان بالای جدایی‌گزینی در نواحی مختلف شهر می‌تواند تمرکز فقر و محرومیت‌های ناشی از آن، از جمله کبود فرصت‌های شغلی، خدمات عمومی و تبعیض‌های شدید که خود پیامدهایی همچون افزایش میزان نرخ جرم و جنایت را به همراه دارد، تشدید نماید و از طرف دیگر باعث سست شدن پیوندهای همسایگی و شکل‌گیری احساساتی می‌شود که جوامع کوچک از آن برخوردارند علاوه

6- Watts
7- Nightingale
8- UN-Habitat

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]

بر این زندگی و کار در کنار جمعیت بزرگی که هیچ نوع پیوندی ندارند، حس رقابت و استثمار متقابل را افزایش می‌دهد (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۹: ۲۸۸-۲۹۶).

هدف پژوهش

هدف این پژوهش، بررسی چگونگی استقرار گروه‌های مختلف اجتماعی و شناسایی گروه‌های محروم با توجه به ویژگی‌های محل سکونت آن‌ها در سطح کلان‌شهر مشهد می‌باشد.

سؤالات و فرضیه‌ها

سؤالات محوری تحقیق حاضر را می‌توان این‌گونه بیان نمود که جدایی‌گزینی‌های شهری در بین مناطق شهر مشهد چگونه صورت پذیرفته است و این‌که کدام یک از شاخص‌های مرتبط با مسکن بیش‌ترین نقش را در بروز پدیده جدایی‌گزینی داشته است؟

فرضیه مقاله این است که با توجه به مهاجرپذیر بودن شهر مشهد انتظار می‌رود که بین مناطق غربی و شرقی شهر مشهد جدایی‌گزینی‌هایی روی داده باشد و با حرکت تدریجی از غرب به شرق شرایط نامساعدتر شود و این‌که به‌نظر می‌رسد شاخص‌های کالبدی مسکن مثل مساحت و کیفیت که با وضع اقتصادی ساکنان در ارتباط است بیش‌ترین تأثیر را در بروز پدیده جدایی‌گزینی دارند.

## مبانی نظری

مطالعات جدایی‌گزینی‌های شهری به‌صورت کلی به دو دسته متفاوت، جدایی‌گزینی‌های جامعه‌شناختی و جدایی‌گزینی‌های فضایی تقسیم می‌شود. جدایی‌گزینی‌های شهری که به‌عنوان جدایی بین گروه‌های مختلف و نابرابری‌های ناشی از آن درک شده است، یک پدیده جهانی شهری است که هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم درحال‌توسعه دیده می‌شود. جنبه‌های خاص جدایی‌گزینی مخصوصا آن‌هایی که به تمرکز گروه‌های محروم مربوط می‌شود به‌عنوان یک مشکل در نظر گرفته شده‌اند. تمرکز فقر به‌عنوان مثال یک مکانیزم تولید فقر است که هزینه‌های اقتصادی اجتماعی گزافی را هم برای نگرانی‌های فردی و هم در شهر به‌عنوان یک کل باعث می‌شود.

جدایی‌گزینی‌شهری

جدایی‌گزینی شهری معانی و تأثیرات متفاوتی با توجه به شکل و ساختار خاص هر کلان‌شهر دارد، مانند زمینه‌های فرهنگی و تاریخی که می‌تواند بین شهرها متفاوت باشد (وانگ[9]، ۲۰۰۵: ۲۸۵-۲۹۴). در واقع واژه جدایی‌گزینی تا

9- Wong

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]

دهه ۱۸۹۰ در ادبیات جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری وجود نداشته است تا این‌که نفاق اندازان شهری[10] به‌منظور توصیف کارهای خود از این واژه استفاده نمودند؛ اما این به معنای عدم وجود جدایی‌گزینی در دوران‌های قبل از آن نمی‌باشد چرا که انگیزه تقسیم شهرها به گروه‌ها و طبقات مختلف به اندازه خود قدمت شهرها قدیمی می‌باشد تا آنجا که حتی در اریدو بهشت شهری بین‌النهرین که یکی از ابتدایی‌ترین تمدن‌های شهری می‌باشد و بیش از هفتاد قرن پیش بنیاد نهاده شده است، نیز می‌توان نمونه‌هایی از این جدایی‌گزینی‌های فضایی را مشاهده نمود (نایتینگل، ۲۰۱۳: ۲-۳). جدایی‌گزینی شهری به‌طور کلی توسط وایت[11] به دو گروه جامعه‌شناختی و جغرافیایی تقسیم می‌شود. جدایی گزینی جامعه‌شناختی به عدم وجود رابطه بین گروه‌ها می‌پردازد، در حالی که جدایی‌گزینی جغرافیایی بر جدایی‌های فضایی بین گروه‌ها تمرکز می‌کند. این دو نوع جدایی‌گزینی اغلب یک همبستگی بالایی را نمایش می‌دهند (وایت، ۱۹۸۳: ۱۰۱٤). جدایی‌گزینی‌های فضایی[12] اغلب دلایل اقتصادی و اجتماعی دارند، به‌عنوان مثال افزایش قیمت زمین و مسکن می‌تواند گروه‌های پایین درآمدی را مجبور کند تا از یک ناحیه مشخص خارج شوند. مطالعه جدایی‌گزینی به‌طور کلی با این هدف مورد توجه قرار گرفته است که بتواند درکی از مکان‌یابی افراد در فضاهای اجتماعی ایجاد کند (واتس[13]، ۲۰۰۷: ١٦٦). جدایی‌گزینی به چگونگی طبقه‌بندی اجتماعی و جغرافیایی گروه‌ها وقتی که در جامعه به‌صورت، جداگانه زندگی می‌کنند می‌پردازد (شالا و کواینو[14]، ۲۰۰۷: ۱۵). انواع جدایی‌گزینی به معیارهایی که برای دسته‌بندی گروه‌های اجتماعی به‌کار برده می‌شوند بستگی دارند که به‌صورت کلی به دو نوع جدایی‌گزینی‌های اجتماعی و جغرافیایی تقسیم می‌شوند. در تقسیم‌بندی دقیق‌تر می‌توان جدایی‌گزینی را به جدایی‌گزینی‌های فضایی، سکونتی[15]، درآمدی[16]، نژادی[17]، اقتصادی و اجتماعی[18] تفکیک کرد (کلارک[19]، ۱۹۹۱: ۱-۱۹)، (مسی و دنتون[20]، ۱۹۸۷: ۸۱۷) (فیتوسا[21] و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۹۹-۳۲۳)

به‌طور کلی منشأ جدایی‌گزینی به سه عرصه مختلف و مرتبط با هم برمی‌گردد (افروغ، ۱۳۷۷: ۲۳۵):

اول، نظم اقتصادی یا ساختار اقتصادی
دوم، دولت و نظم ساختار سیاسی
سوم، عرصه زیست-اجتماعی (افروغ، ۱۳۷۷: ۲۳٦)

10- City Splitters
11- White
12- Spatial Segregation
13- Watts
14- Shala & Quainoo
15- Residential Segregation
16- Income Segregation
17- Racial Segregation
18- Socioeconomic Segregation
19- Clark
20- Massey and Denton
21- Feitosa

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]

در جوامعی که طبقات اجتماعی شکل گرفته‌اند، نقش عرصه‌های اقتصادی در جدایی‌گزینی طبقاتی اساسی بوده و تعیین‌کننده جهت و شدت رابطه عرصه‌های سه‌گانه است؛ اما جوامعی که تمایز طبقاتی را پشت سرگذاشته‌اند، منابع و اقتدار سیاسی دولت است که نقش اساسی در تحرکات و جدایی‌گزینی‌های فضایی و اجتماعی و دسترسی به منابع و فرصت‌های اقتصادی و شهری داشته و تعیین کننده جهت و شدت رابطه بین سه عرصه مزبور می‌باشد. عوامل مؤثر بر جدایی‌گزینی‌های شهری که در سه عرصه ذکر شده بررسی می‌شود، تماما می‌تواند به تمرکز فقر و محرومیت[۲۲] در محله‌ها و در مواردی خاص، در گتوها و زاغه‌های شهری بیانجامد (همان، ۲۳۷).

بنابراین جدایی‌گزینی جغرافیایی که به یک محدوده‌ای از تأثیرات منفی که از فاصله فیزیکی بین گروه‌های مختلف حاصل می‌شود، مربوط است به تمرکز مصرف‌کنندگان کم‌درآمد در یک محدوده مشخص و بسیار بعید است تا این شرایط بتواند یک ساختار اقتصادی و خدمات محلی قوی و پایدار که قادر باشد به‌عنوان یک ابزار برای ارتقای تحرک به‌وسیله فراهم کردن فرصت‌های شغلی محلی، مدارس خوب و مراقبت روزانه، تسهیلات ورزشی و گذران اوقات فراغت، عمل کند را به‌وجود آورد (فیتوسا و ویسمن[۲۳]، ۲۰۰۶: ٤).

## پیشینه پژوهش

در زمینه جدایی‌گزینی‌های شهری پژوهش‌های مختلفی در کشورهای مختلف صورت گرفته است. به‌عنوان مثال، تحقیقات بولت[۲۴] (۲۰۰٦) در هلند نشان می‌دهد که سطح جدایی‌گزینی مسکونی قومیتی در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی بسیار بالا می‌باشد و نقش مهم مسکن‌سازی عمومی در هلند همراه با نابرابری‌های نسبتا پایین درآمد، منجر به سطح پایین جدایی‌گزینی درآمدی شده است؛ اما این امر منجر به سطح پایین جدایی‌گزینی قومیتی نشده است. به‌طور کلی وی در مورد جدایی‌گزینی مسکونی قومیتی در هلند سه عامل تعیین‌کننده جدایی‌گزینی، مدت سکونت، فرهنگ‌پذیری و وضعیت اقتصادی-اجتماعی معرفی کرده است. هرناندز و مارگاریتا[۲۵] (۲۰۰۵) در تحقیق خود نشان می‌دهند که جدایی‌گزینی اجتماعی-فضایی یک عامل توضیح‌دهنده تقسیم بازار کار می‌باشد. اشتغال و فرصت‌های درآمد به مکان‌های مسکونی و میزان انزوای اجتماعی بستگی دارند. این نظریه وجود دارد که نوع کار با میزان یکپارچگی اجتماعی و فضایی منطبق می‌باشد. کارگران خصوصیات اجتماعی-اقتصادی دارند که فرصت‌های اشتغال آن‌ها را تعیین می‌کند و محصول یکپارچگی اجتماعی است که در آن فضا جلوه‌گر می‌شود. محل سکونت (که با بازار زمین، ظرفیت اقتصادی، قابلیت دسترسی به منابع شهری و غیره تعیین می‌شود) و یکپارچگی اجتماعی (شبکه‌های اطلاعاتی، میزان وابستگی با اجتماعات یا افراد دیگر، عملکردهای تولیدمثلی)، یک نوع بار فرهنگی می‌شود که بر اجرا و تشکیل کار تأثیر می‌گذارد. ریگبی[۲۶] و همکاران (۲۰۰۲) نشان می‌دهند که در نیوزلند

22- Deprivation
23- Feitosa & Wissmann
24- Bolt
25- Hernandez and Guadalupe
26- Rigby

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]

جدایی‌گزینی مسکونی، نابرابری اجتماعی-اقتصادی را منعکس می‌کند. هرچه خانوارهای نابرابرتری در یک منطقه زندگی کنند، احتمال بیش‌تری دارد که این خانوارها جدا از هم زندگی کنند و هر چه نابرابری خانواده گسترده‌تر شود، هر دو انتهای توزیع درآمد، افزایش سطوح جدایی‌گزینی فضایی را تجربه می‌کنند. فیتوسا[۲۷] (۲۰۰۷) بیان می‌کند که علاوه بر انعکاس نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی توسط جدایی‌گزینی سکونتی، این نوع جدای‌گزینی باعث تحریک جدایی‌گزینی در مدارس نیز می‌شود. یی[۲۸] (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که یک ساختار مسکونی قطبی شده، نتیجه افزایش جدایی‌گزینی اجتماعی-اقتصادی می‌باشد و مناطق مسکونی تقسیم شده و شهرهای تقسیم شده، پیامد طبیعی لایه‌بندی اجتماعی می‌باشند. در ایران پژوهش بر روی جدایی‌گزینی شهری در شهر مشهد توسط رهنما (۱۳۷۷) نشان می‌دهد که جدایی‌گزینی سکونتی طی سال‌های ۱۲۹۵ تا ۱۳۷۰ روند افزایشی داشته است؛ که بنا بر تحقیقات محمدزاده (۱۳۸۸) نابرابری‌های تحصیلی از میان شاخص‌های اجتماعی گروه‌ها بیش‌ترین تأثیر را در جدایی‌گزینی مسکونی در شهر مشهد داشته است. همچنین در بررسی جدایی‌گزینی شهری در شهر تهران توسط مشکینی و رحیمی (۱۳۹۰)، نتایج نشان می‌دهند که عوامل مذهب و قومیت بیش‌ترین مقدار جدایی‌گزینی چند گروهی را در شهر تهران نشان می‌دهند.

ناحیه مورد مطالعه

شهر مشهد به‌عنوان دومین کلان‌شهر ایران با جمعیتی در حدود سه میلیون نفر، دربرگیرنده ۱۳ منطقه و ٤٢ ناحیه می‌باشد. شهر مشهد با توجه به عملکرد مذهبی که دارد سالانه پذیرای مهاجرین بسیاری از داخل و خارج از کشور می‌باشد. با توجه به مهاجرپذیر بودن شهر مشهد و تمایل به سکونت در محدوده شهر، قشرهای مختلف اقتصادی- اجتماعی در قسمت‌های مختلف شهر ساکن شدند و زمینه را برای گسترش شهر در جهات مختلف فراهم ساختند. این گوناگونی در ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی و سکونت در نقاط مختلف شهر رفته‌رفته زمینه را برای شکل‌گیری شهرک‌های مختلف پیرامون شهر مشهد و افزایش قیمت زمین و مسکن در شهر را فراهم نمود و زمینه‌ساز جدایی‌گزینی‌های گروه‌های مختلف با توجه به ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی‌شان شد؛ بنابراین در این پژوهش با توجه به هدف پژوهش که بررسی جدایی‌گزینی در شهر مشهد می‌باشد، کل شهر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## مواد و روش‌ها

روش‌های فراوانی برای اندازه‌گیری جدایی‌گزینی پیشنهاد شده است. روش‌ها یا رویکردهای متفاوتی بر اساس مفاهیم متفاوت پدیده جدایی‌گزینی وجود دارد. مفهوم همانندسازی فضایی هنوز در جدایی‌گزینی نقش مرکزی دارد

27- Feitosa
28- Yi

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]

و برابری توزیع نژادی که از طریق الگوی سکونت آشکار شده است به‌عنوان مهم‌ترین جنبه مورد باور است (مسی[۲۹]، ۱۹۸۵: ۸۰۲-۸۲٤)؛ بنابراین، بیش‌تر مباحث زیر حول محور برابری فضایی توزیع جمعیت در اندازه‌گیری جدایی‌گزینی می‌چرخد. لذا به‌منظور بررسی سطوح جدایی‌گزینی شاخص‌های بعد خانوار، مساحت منازل مسکونی، تعداد اتاق در واحد مسکونی، کیفیت و طول عمر ساختمان‌ها که مصالح و زمان ساخت ساختمان‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد و وضعیت مالکیت واحدهای مسکونی مدنظر قرار گرفته شده‌اند که با استفاده از شاخص‌های دوگروهی و چندگروهی که در زیر توضیح داده شده‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرند.

شاخص دو گروهی: شاخص عدم تجانس (D) توسط دانکن[۳۰] (۱۹۵۵) به‌منظور بازتاب سطوح جدایی‌گزینی بین دو گروه جمعیتی مطرح شد. محاسبه این شاخص بسیار آسان می‌باشد و تفاسیر ذاتی دارد که مورد علاقه بسیاری از جامعه شناسان و محققان جمعیت شناس می‌باشد؛ بنابراین، این شاخص به‌طور بسیار گسترده‌ای در دهه‌های گذشته مورد استفاده قرار می‌گرفته است. این شاخص بین ۰ و ۱ است: ۰ بیانگر جامعه‌ای کاملا همگون و ۱ بیانگر جامعه ای کاملاً ناهمگون است. به‌طور تقریبی، مقادیر کم‌تر از ۰/۳ بیانگر جدایی‌گزینی اندک، بین ۰/۳ تا ۰/٦ متوسط و از ۰/٦ به بالا بیانگر جدایی‌گزینی شدید است (ایسلند[۳۱] و همکاران، ۲۰۰۵: ۲۵۲-۲٦٦) این شاخص در اندازه‌گیری بعد برابری که مهم‌ترین بعد اندازه‌گیری جدایی‌گزینی است، بسیار تأثیرگذار می‌باشد (مسی و دنتون، ۱۹۸۸: ۲۸۱-۳۱۵). از آنجا که شاخص جدایی‌گزینی دانکن آرایش فضایی جمعیت را در نظر نمی‌گیرد، شاخص جدایی‌گزینی دوگروهی (Ds) توسط وانگ[۳۲] (۲۰۰۳) مطرح شد که بر اساس آن، میزان تعامل میان هر جفت از واحدهای فضایی، علاوه بر تأثیرگذاری از عامل مجاورت از اندازه و شکل دو واحد فضایی مجاور نیز تأثیر می‌پذیرد و بر اساس روابط ۱، ۲ و ۳ تعریف می‌شود:

رابطه (۱)
$$D(s) = D - \frac{1}{2}\sum_{i}\sum_{j} w_{ij}|z_i - z_j| \times \frac{\frac{1}{2}\left[\left(\frac{P_i}{A_i}\right) + \left(\frac{P_j}{A_j}\right)\right]}{MAX\left(\frac{P}{A}\right)}$$

رابطه (۲)
$$D = \frac{1}{2}\sum\left|\frac{w_i}{W_i} - \frac{b_i}{B_i}\right|$$

رابطه (۳)
$$w_{ij} = \frac{d_{ij}}{\sum_j d_{ij}}$$

در حالی که D شاخص جدایی‌گزینی، $b_i$ و $w_i$ برای مثال جمعیت سیاه وسفید در ناحیه i، B و W کل جمعیت سیاه و سفید در کل منطقه مورد مطالعه است (وانگ، ۲۰۰۳: ۵۵). $D_{ij}$ طول مرز مشترک میان ناحیه i و j است. Pi/Ai

29- Massey
30- Donken
31- Iceland
32- Wong

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]

نسبت محیط به مساعد ناحیه i است و MAX (P/A) میان کل نواحی موجود در منطقه ورد مطالعه است (همان: ٥٦). شاخص جدایی‌گزینی چند گروهی: برای محاسبه شاخص جدایی‌گزینی چند گروهی، مورگان[۳۳] و بعد از آن ساکودا[۳٤] روش دیگری را معرفی کردند که وانگ آن را از طریق گنجاندن شاخص‌های فضایی کامل‌تر کرد. شاخص جدایی‌گزینی چند گروهی بر اساس روابط ٤ و ٥ تعریف می‌شود (همان: ٥٧):

رابطه (٤)
$$D(m) = \frac{1}{2}\frac{\sum_i \sum_j |N_{ij} - E_{ij}|}{\sum_j NP(1-P_j)}$$

رابطه (٥)
$$E_{ij} = \frac{N_i - N_j}{N}$$

در حالی که Nij میزان جمعیت در j امین گروه جمعیتی ساکن در ناحیه i، Ni کل جمعیت در ناحیه i و N کل جمعیت ساکن در منطقه مورد مطالعه است. Pj نسبت جمعیت گروه j است. تفسیر D (m) مانند D در مدل قبلی است (همان).

بیضی انحراف استاندارد: این روش که برای درک ویژگی توزیع فضایی هر گروه جمعیتی به‌کار می‌رود، مانند انحراف استاندارد در آمار است. افزایش پراکندگی ویژگی مجموعه نقاط و یا سطوح در اطراف مرکز میانگین به ترسیم بیضی استاندارد بزرگ‌تر منجر می‌شود. به‌طورکلی، توزیع خوشه‌ای گروه‌ها به ترسیم بیضی‌های کوچک و توزیع پراکنده گروه‌ها به ایجاد بیضی‌های بزرگ‌تر می‌انجامد که با در نظر گرفتن مسیر چرخش بیضی‌ها، جهت توزیع هر گروه را نیز می‌توان ارزیابی کرد (وانگ، ۲۰۰۳: ٦٦) (مشکینی و رحیمی،۱۳۹۰: ۹۰-۹۱).

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش از داده‌های سرشماری ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران بر اساس ۱۳ منطقه شهرداری مشهد استخراج شده که با توجه به بعد برابری جدایی‌گزینی که توزیع تفاضلی گروه‌های اجتماعی در محیط‌های شهری است و با استفاده از شاخص‌های عدم مشابهت دوگروهی و چند گروهی مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت و به‌منظور تفهیم تصویری موضوع از بیضی انحراف استاندارد که با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی[۳۵] قابل تشکیل است بهره برده می‌شود.

## یافته‌ها و بحث

الگوهای فضایی جدایی‌گزینی گروه‌های مختلف اجتماعی

با توجه به این‌که یک ساختار مسکونی قطبی شده، نتیجه افزایش جدایی‌گزینی اجتماعی-اقتصادی می‌باشد و مناطق مسکونی و شهرهای تقسیم شده، پیامد طبیعی لایه‌بندی اجتماعی می‌باشند؛ در این قسمت جدایی‌گزینی‌های گروه‌های مختلف اجتماعی را با توجه به یک سری ویژگی‌های مرتبط با مسکن در سطح شهر مشهد مورد بررسی

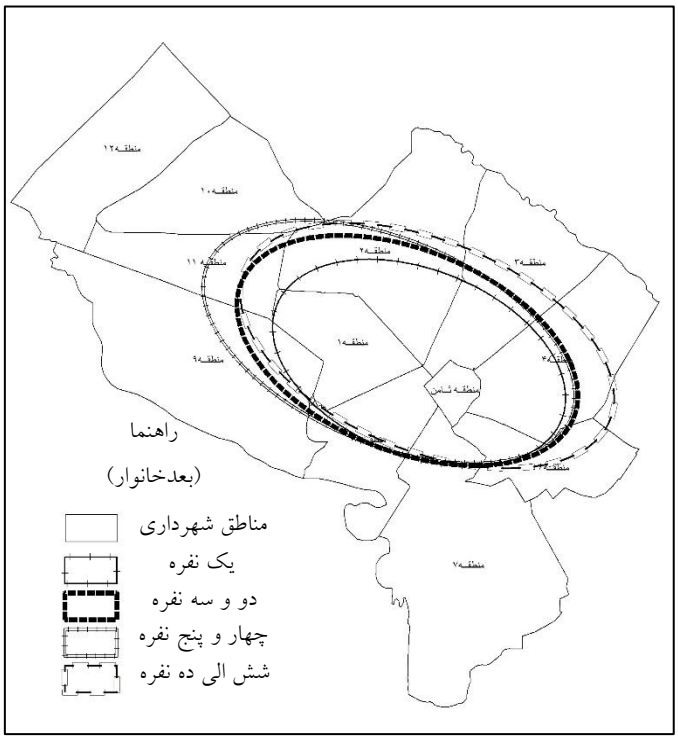
33- Morgan
34- Sakoda
35- Geographical Information System(GIS)

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]

قرار می‌دهیم. مساحت منازل مسکونی و بعد خانوار لزوما رابطه مستقیمی با یکدیگر ندارند و معمولا این دو شاخص با توجه به ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی گروه‌ها قابل تبیین هستند. با توجه به میزان جدایی‌گزینی‌های دوگروهی (جداول ۱ و ۲) و پراکنش گروه‌های مختلف اجتماعی (نمایه‌های ۱ و ۲) مشاهده می‌شود که همزمان با افزایش بعد خانوار نه‌تنها مساحت منازل مسکونی افزایش پیدا نمی‌کند بلکه بیضی انحراف استاندارد توزیع خانوارهای ٦-۱۰ نفره تقریبا منطبق بر بیضی‌های انحراف استاندارد منازل با مساحت‌های زیر ۵۰ مترمربع و ۵۰ تا ۱۰۰ مترمربع می‌باشد. جهت این بیضی‌ها به سمت شرق شهر مشهد می‌باشد که با توجه به قیمت پایین‌تر منازل مسکونی و زمین در آنجا در مقایسه با سایر نواحی شهر مشهد از یک طرف و با توجه به تفکیک زمین به متراژهای کوچک‌تر از طرف دیگر؛ این مناطق مورد توجه اقشار ضعیف‌تر و مهاجر قرار گرفته است.

**جدول ۱- جدایی گزینی دو گروهی برحسب بعدخانوار**

| | دو و سه نفره | سه نفره | چهار نفره | پنج نفره | هفت نفره | ده نفره |
|---|---|---|---|---|---|---|
| یک نفره | ۰/۱۷۱ | ۰/۲۲۳ | ۰/۲٦ | ۰/۲۹ | ۰/۳٥٦ | ۰/٤٤۲ |
| دو نفره | - | ۰/۰۹۹ | ۰/۱٤٥ | ۰/۱٦۹ | ۰/۲۳۸ | ۰/۳٦۳ |
| سه نفره | - | - | ۰/۰۸۹ | ۰/۱۱۰ | ۰/۲۰۲ | ۰/۳٥۲ |
| چهارنفره | - | - | - | ۰/۰۷۳ | ۰/۲۱۱ | ۰/۳٦۹ |
| پنج نفره | - | - | - | - | ۰/۱۹٦ | ۰/۳٦٦ |
| هفت نفره | - | - | - | - | - | ۰/۲۳٦ |

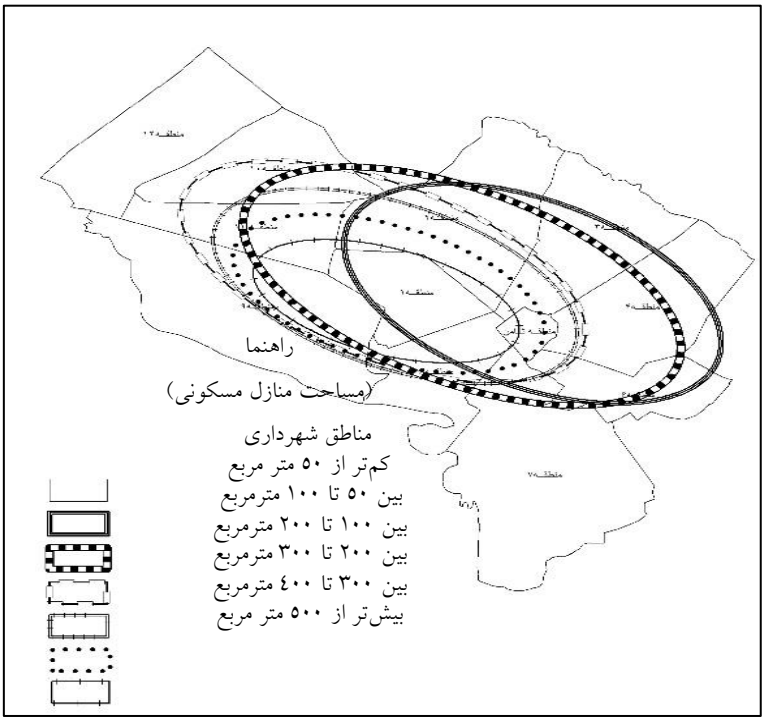



**شکل ۱: جدایی گزینی بر اساس بعد خانوار**

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]

**جدول ۲- میزان جدایی گزینی دوگروهی برحسب مساحت منازل مسکونی (مترمربع)**

| | ۵۰–۷۵ | ۷۶–۸۰ | ۸۰–۱۰۰ | ۱۰۰–۱۵۰ | ۱۵۰–۲۰۰ | ۲۰۰–۳۰۰ | ۵۰۰–۳۰۰ | ۵۰۰< |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۵۰> | ۰/۱۷۱ | ۰/۲۱٤ | ۰/۳۱۵ | ۰/٤۵۹ | ۰/٤۸۱ | ۰/۵۱۳ | ۰/٦۷۳ | ۰/۷۷۸ |
| ۵۰–۷۵ | – | ۰/۰۷۲ | ۰/۱٦۳ | ۰/۳۲۹ | ۰/۳٦۳ | ۰/٤۳۹ | ۰/۵۹۸ | ۰/۷۰٤ |
| ۷٦–۸۰ | – | – | ۰/۱۱۳ | ۰/۲۹ | ۰/۳۰۸ | ۰/۳۸٤ | ۰/۵٤۳ | ۰/٦٦۸ |
| ۸۰–۱۰۰ | – | – | – | ۰/۱۹۷ | ۰/۲۲۲ | ۰/۲۹۷ | ۰/٤۵٦ | ۰/۵۸۹ |
| ۱۰۰–۱۵۰ | – | – | – | – | ۰/۱۱۳ | ۰/۱۸۲ | ۰/۳٤۲ | ۰/۵۱ |
| ۱۵۰–۲۰۰ | – | – | – | – | – | ۰/۱۰۹ | ۰/۲٦۳ | ۰/٤۳٦ |
| ۲۰۰–۳۰۰ | – | – | – | – | – | – | ۰/۱۵۹ | ۰/۳۳۳ |
| ۵۰۰–۳۰۰ | – | – | – | – | – | – | – | ۰/۱۷۳ |




**شکل ۲: جدایی‌گزینی بر اساس مساحت منازل مسکونی**

همان‌طور که در (جداول ۱ و ۲) نشان داده شده است جدایی‌گزینی دوگروهی از یک رابطه منطقی برای بعد خانوار و مساحت پیروی می‌کند به این معنی که به‌عنوان مثال، جدایی‌گزینی خانوارهای ٤ و ۵ نفره تقریبا ۰/۰۷ می‌باشد که این جدایی‌گزینی اندک، با توجه به نزدیکی بیضی‌های انحراف استاندارد آن‌ها که در (شکل ۱) یکی در نظر گرفته شده‌اند قابل توجیه می‌باشد. در (شکل ۱) خانواده‌های یک نفره که اغلب نیروهای کار و مهاجرین می‌باشند، در

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]

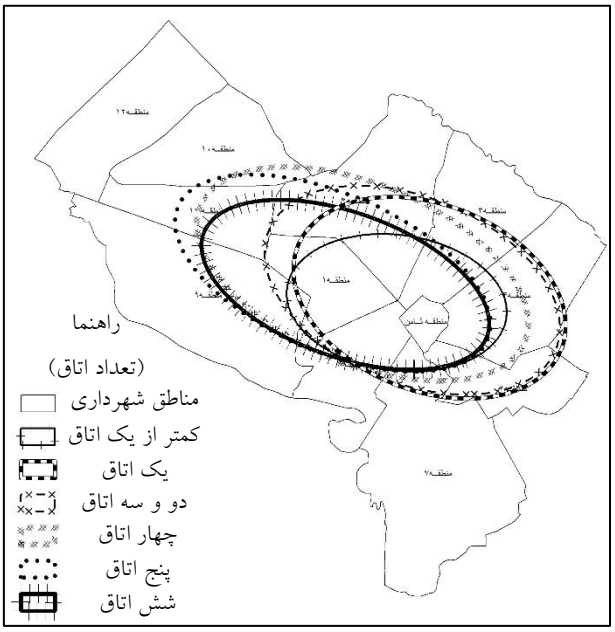
مرکز شهر که هتل آپارتمان‌ها حضور دارند و زمینه برای اشتغال فراهم است متمرکزاند؛ با افزایش بعد خانوار و نزدیک شدن آن به میانگین بعد خانوار در شهر مشهد، بیضی انحراف استاندارد به سمت شمال‌غرب مشهد که از شرایط بهتری برخوردار است حرکت می‌کند و هرچه بعد خانوار از میانگین بعدخانوار بیش‌تر می‌شود بیضی انحراف استاندارد به سمت شرق مشهد در حرکت است. در واقع خانواده‌ها با بعدخانوار بالا نواحی ارزان‌تر را انتخاب می‌کنند تا بتوانند به فضای بیش‌تری برای زندگی دست یابند. از طرف دیگر مشاهده می‌شود که مساحت منازل مسکونی هرچه بیش‌تر می‌شود بیضی انحراف استاندارد متمرکزتر و کوچک‌تر می‌شود که این حاکی از متمرکز بودن منازل با مساحت بالا در مناطق مرکزی شهر (منطقه ۱، ۸) می‌باشد. همچنین با کاهش مساحت، بیضی‌های انحراف استاندارد به سمت شرق مشهد که در بالا ویژگی‌های آن ذکر شد، حرکت می‌کنند.

شاخص دیگری که می‌توانند جدایی‌گزینی گروه‌های مختلف اجتماعی را با توجه به ویژگی‌های محل سکونت آن‌ها مشخص کند، تعداد اتاق در واحد مسکونی می‌باشد. با توجه به خصوصیات اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی تعداد اتاق بیش‌تر در واحد مسکونی نمایانگر رفاه بیش‌تر و زندگی در منطقه مرفه‌تر می‌باشد. همان‌طور که در (جدول ۳) نشان داده شده است علی‌رغم معمول که انتظار می‌رفت بین دو متغیر نزدیک به هم میزان جدایی‌گزینی دوگروهی کم‌تر باشد؛ مشاهده می‌شود که میزان جدایی‌گزینی بین منازل مسکونی بدون اتاق (کم‌تر از یک اتاق) با منازل مسکونی با یک اتاق و بیش‌تر در حد بسیار شدیدی می‌باشد که این نشان از متراکم بودن منازل مسکونی بدون اتاق و جدایی‌گزین بودن شدید آن‌ها می‌باشد. برای سایر منازل مسکونی با تعداد اتاق یک و بیش‌تر جدایی‌گزینی دوگروهی روند معمولی خود را طی می‌کند. این قضیه نیز با توجه به (شکل ۳) نیز قابل توجیه می‌باشد. همان‌طور که در این نمایه مشاهده می‌شود جدایی‌گزینی منازل مسکونی بر اساس اتاق از توزیع متنوع‌تری برخوردار است. منازل بدون اتاق در محدوده بافت قدیم شهر مشهد که امروزه ساختار اصلی خود را از دست داده است، متمرکز می‌باشند. با افزایش تعداد اتاق‌ها در واحد مسکونی بیضی‌های انحراف استاندارد به سمت غرب مشهد حرکت می‌کنند و با افزایش تعداد اتاق متمرکزتر و کوچک‌تر می‌شوند. با مقایسه (شکل های ۲ و ۳) مشخص می‌شود که تقریبا بیضی‌های انحراف استاندارد مساحت واحد مسکونی و تعداد اتاق از یک روند مشابه پیروی می‌کنند تا آنجایی که تقریبا بیضی انحراف استاندارد منازل با مساحت بیش‌تر از ۵۰۰ مترمربع با بیضی منازل با شش اتاق منطبق است.

**جدول ۳- میزان جدایی گزینی دو گروهی برحسب تعداد اتاق در واحد مسکونی**

| | یک اتاق | دو اتاق | سه اتاق | چهار اتاق | پنج اتاق | شش اتاق |
|---|---|---|---|---|---|---|
| کم‌تر از یک اتاق | ۰/۸۵۸ | ۰/۸٦۷ | ۰/۸۷۱ | ۰/۸۷۹ | ۰/۸۷۹ | ۰/۸۸۵ |
| یک اتاق | – | ۰/۱٦۹ | ۰/۲۹۳ | ۰/٤٦٤ | ۰/۵۹۵ | ۰/٦۲٤ |
| دو اتاق | – | – | ۰/۲۳۹ | ۰/٤٤۳ | ۰/۵۸ | ۰/٦۱۳ |
| سه اتاق | – | – | – | ۰/۲۷۳ | ۰/٤٦٤ | ۰/۵۲۸ |
| چهار اتاق | – | – | – | – | ۰/۲۷۵ | ۰/۳۹۸ |
| پنج اتاق | – | – | – | – | – | ۰/۲٤۹ |

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]



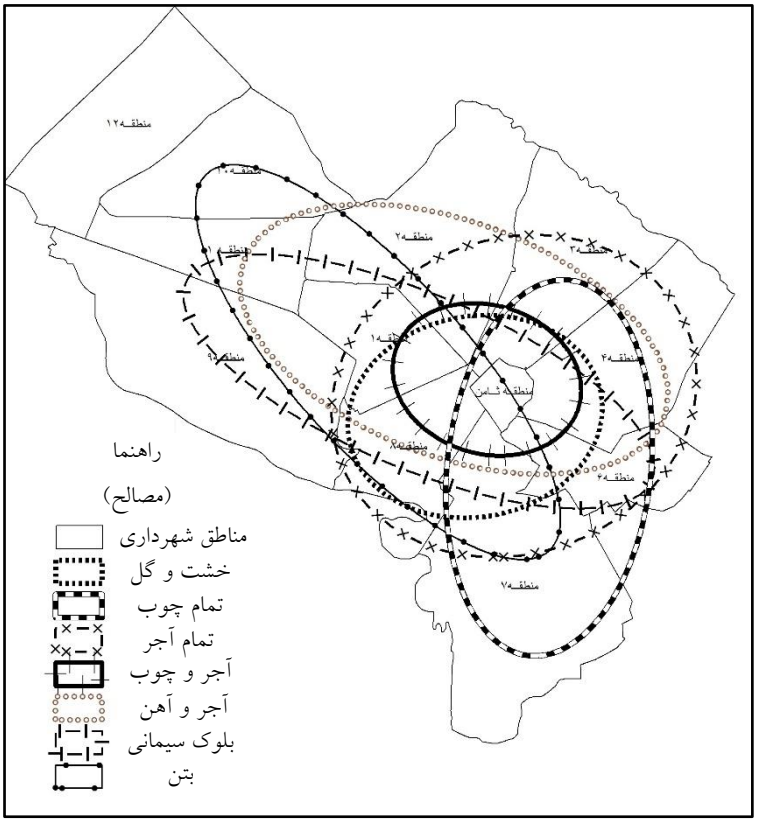

**شکل ۳: جدایی گزینی بر اساس تعداد اتاق منازل مسکونی**

با پیشرفت روزافزون علم، نحوه ساخت و مصالح به‌کار رفته در ساختمان‌ها تغییر می‌کند. با توجه به قدمت شهر مشهد یکی دیگر از مسائل مهمی که می‌تواند زمینه‌ساز جدایی‌گزینی‌های گروه‌های مختلف اجتماعی باشد کیفیت منازل مسکونی است که با توجه به نوع مصالح به‌کار رفته در آن‌ها سنجیده می‌شود. در واقع، گروه‌های محروم‌تر معمولاً متمایل‌اند تا در منازل مسکونی با کیفیت پایین‌تر زندگی کنند چراکه این با توجه به درآمد محدود این گروه‌ها و قیمت پایین این نوع منازل، آن‌ها را قادر می‌سازد تا از عهده خرید و یا رهن و اجاره آن‌ها برآیند و همین امر می‌تواند زمینه را برای جدایی‌گزینی گروه‌ها فراهم سازد.

**جدول ٤- میزان جدایی گزینی‌های دوگروهی برحسب مصالح ساختمان**

| | خشت و چوب | تمام چوب | تمام آجر | بلوک سیمانی | آجر چوب | آجر و آهن | بتون آرمه | اسکلت فلزی |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| خشت و گل | ۰/۷٤۷ | ۰/۸۹٤ | ۰/۸۲۸ | ۰/۹٥٤ | ۰/۸۷۳ | ۰/۸۸۲ | ۰/۹۷۱ | ۰/۸۹٥ |
| خشت و چوب | - | ۰/۹۲٦ | ۰/۹۳٤ | ۰/۹٤۹ | ۰/۷٦۳ | ۰/۸۱٤ | ۰/۹٦۳ | ۰/۸٤۸ |
| تمام چوب | - | - | ۰/۸٦٥ | ۰/۹۷٤ | ۰/۹۱٤ | ۰/۹٦۳ | ۰/۹۷۸ | ۰/۹٤٤ |
| تمام آجر | - | - | - | ۰/۹٤۳ | ۰/۹٥۱ | ۰/۹۰۹ | ۰/۹٤٤ | ۰/۹۱٦ |
| بلوک سیمانی | - | - | - | - | ۰/۹٤۲ | ۰/۸٥۹ | ۰/۸٥٥ | ۰/۸٦٥ |
| آجر چوب | - | - | - | - | - | ۰/۷۳۷ | ۰/۹۳۸ | ۰/۷٤۲ |
| آجر و آهن | - | - | - | - | - | - | ۰/۸٤٤ | ۰/٦۷۳ |
| بتون آرمه | - | - | - | - | - | - | - | ۰/٦۸۳ |

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]



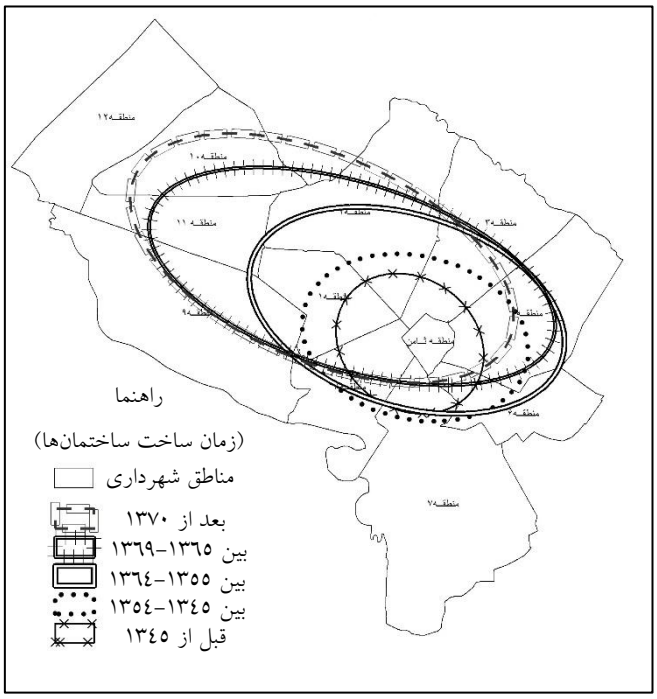

**شکل ٤: جدایی گزینی بر اساس مصالح به کار رفته در منازل مسکونی**

مطابق (جدول ٤) مشاهده می‌شود که جدایی‌گزینی منازل با مصالح متفاوت در سطح شهر مشهد بسیار زیاد می‌باشد؛ تا جایی که در بسیاری از موارد این میزان تقریبا نزدیک به یک که شدیدترین میزان جدایی‌گزینی را مطرح می‌کند، می‌باشد. حتی بین مصالح مدرن که بیش‌تر در دهه‌های اخیر نمود پیدا کرده‌اند نیز جدایی‌گزینی قابل‌توجهی وجود دارد که این حاکی از کیفیت متنوع منازل مسکونی در قسمت‌های مختلف شهر می‌باشد. این امر نیز در (شکل ٤) با توجه به جهات مختلف بیضی‌های انحراف استاندارد قابل مشاهده می‌باشد. همان‌طور که (شکل ٤) نشان می‌دهد منازلی که تمام چوب، تمام آجر و بتنی می‌باشند از ناهمگون‌ترین جدایی‌گزینی در مقایسه با سایر مصالح برخوردار می‌باشند. منازل با مصالح خشت و گل و آجر چوب در بافت قدیم شهر مشهد متمرکز هستند درحالی که منازل تمام چوب و تمام آجر با توجه به موقعیت و پراکنش آن‌ها در شهر مشهد گویای شهرنشینی شتابان افراد به‌خصوص کم‌درآمدها می‌باشد که می‌توان دلیل آن را با توجه به مهاجرپذیر بودن شهر مشهد و ناتوانایی بازار مسکن در عرضه مسکن کافی، توجیه کرد. پراکنش منازل با مصالح آجر و آهن بیانگر شروع مدرنیزاسیون در شهر مشهد می‌باشد که بافت‌های مرکزی و اولیه و ثانویه شهر مشهد را در برمی‌گیرد؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد می‌توان با تغییر مصالح ساختمان‌ها در قسمت‌های محروم‌تر و در نظر گرفتن تسهیلاتی برای اقشار ضعیف زمینه را برای کاهش جدایی‌گزینی‌های گروه‌های مختلف اجتماعی فراهم کرد. یکی از شاخص‌هایی که معمولا به‌طور مستقیم با کیفیت منازل مسکونی در ارتباط است عمر ساختمان‌ها می‌باشد.

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]

**جدول ۵- میزان جدایی‌گزینی‌های دوگروهی برحسب عمر واحد مسکونی**

| | ۱۳۵۴-۱۳۴۵ | ۱۳۶۴-۱۳۵۵ | ۱۳۶۹-۱۳۶۵ | بعد از ۱۳۷۰ |
|---|---|---|---|---|
| قبل از ۱۳۴۵ | ۰/۵۳۷ | ۰/۷۷۲ | ۰/۸۱۸ | ۰/۸۲۶ |
| ۱۳۴۵-۱۳۵۴ | - | ۰/۵۳۷ | ۰/۶۹۶ | ۰/۷۳ |
| ۱۳۵۵-۱۳۶۴ | - | - | ۰/۴۷۱ | ۰/۵۸ |
| ۱۳۶۵-۱۳۶۹ | - | - | - | ۰/۳۵۶ |




**شکل ۵: جدایی‌گزینی بر اساس زمان ساخت ساختمان‌ها (عمر ساختمان‌ها)**

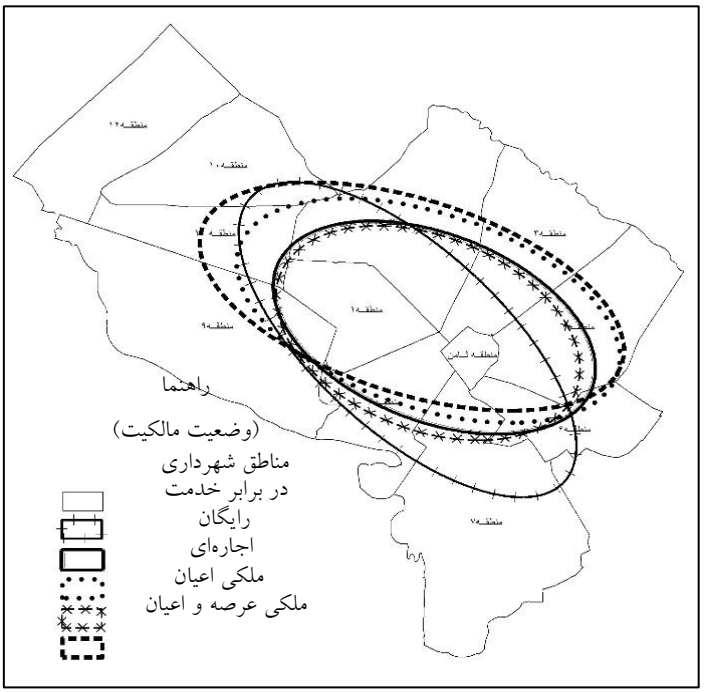
همان‌طور که در (جدول ۵) نشان داده شده است جدایی‌گزینی هم‌زمان با کاهش عمر ساختمان‌ها کاهش می‌یابد که این امر نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین جدایی‌گزینی و عمر ساختمان‌ها می‌باشد. به این معنی که ساختمان‌ها با طول عمر تقریبا مشابه در مجاورت یکدیگر واقع شده‌اند و ساختمان‌هایی که طول عمر نسبتا بیش‌تری دارند بیش‌تر جدایی‌گزین شده‌اند و همچنین ساختمان‌های تازه‌سازتر بیش‌تر در مجاورت یکدیگر قرار گرفته‌اند. در واقع میزان جدایی‌گزینی‌ها در (جدول ٤) نشان می‌دهند که توسعه‌های اخیر شهر مشهد با فاصله از توسعه‌های ابتدایی صورت پذیرفته است و اصول مرتبط با توسعه‌های میانی نادیده انگاشته شده‌اند. همان‌طور که در (شکل ۵) که تقریباً منطبق بر توسعه تاریخی شهر مشهد می‌باشد، نشان داده شده است؛ ساختمان‌های غربی شهر مشهد عمر کم‌تری در مقایسه

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]

با شرق مشهد دارند؛ که همین امر منجر به جدایی‌گزینی کم‌تر در این مناطق شده است. در نهایت وضعیت مالکیت منازل مسکونی به‌عنوان آخرین شاخص که نشان‌دهندهٔ ویژگی‌های اقتصادی خانوارها می‌باشد مورد بررسی قرار گرفته است. همان‌طور که در (جدول ٦) نشان داده شده است مالکیت عرصه و اعیان منازل مسکونی در مقابل مالکیت اعیان بالاترین میزان جدایی‌گزینی را نشان می‌دهد که این امر با توجه به مطالبی که در بالا ذکر شده است و (شکل ٦) قابل توجیه می‌باشد. همان‌طور که در شکل مذکور زیر نشان داده شده است بیضی مالکیت عرصه و اعیان بزرگ‌تر و در مقایسه با بیضی مالکیت اعیان که متمرکزتر است به سمت غرب مشهد کشیده شده است. این امر نشان از توانایی اقتصادی بالاتر ساکنان غرب مشهد در مقایسه با ساکنان شرقی می‌باشد. همان‌طور که مشخص است با توجه به جهت متفاوت مالکیت در برابر خدمت می‌توان این‌گونه بیان نمود که این نوع مالکیت در مقایسه با سایر مالکیت‌ها از وضعیت ناهمگون‌تری برخوردار است.

**جدول ٦- جدایی گزینی دوگروهی برحسب نحوه تصرف واحد مسکونی**

| | در برابر خدمت | اجاره‌ای | ملکی اعیان | ملکی عرصه و اعیان |
|---|---|---|---|---|
| مجانی | ۰/٦٢٩ | ۰/٢٥٢ | ۰/٤٩٤ | ۰/٤٤٣ |
| در برابر خدمت | – | ۰/٦٣ | ۰/٧٤١ | ۰/٧۰٣ |
| اجاره‌ای | – | – | ۰/٤٨٣ | ۰/٣٧٥ |
| ملکی اعیان | – | – | – | ۰/٨٤ |

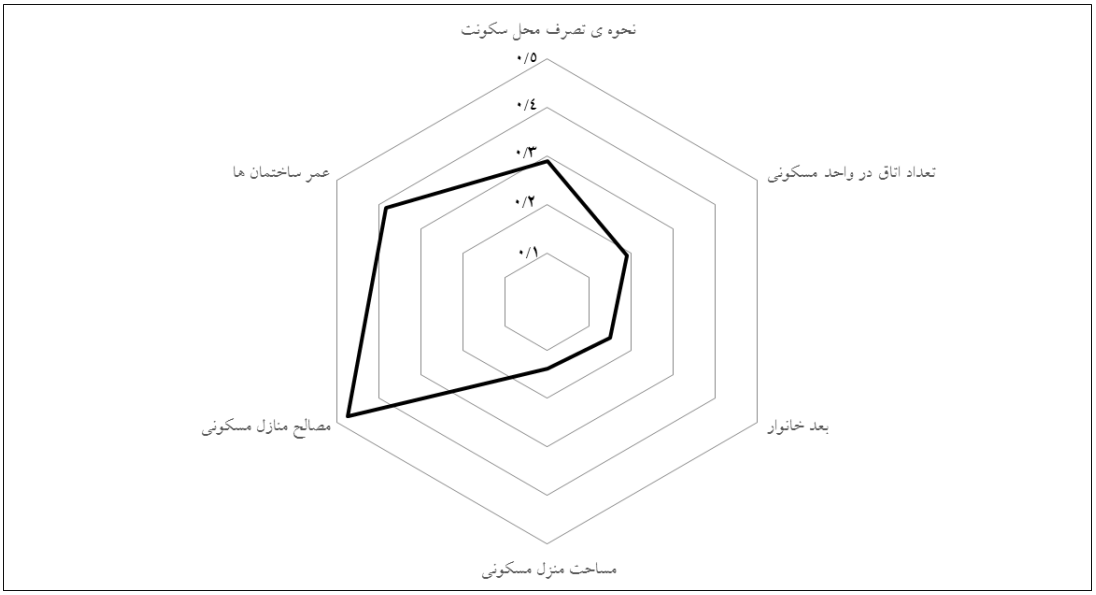



**شکل ٦: جدایی‌گزینی بر اساس وضعیت مالکیت منازل مسکونی**

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]

الگوی فضایی جدایی‌گزینی چندگروهی

الگوی فضایی جدایی‌گزینی چندگروهی با توجه به (شکل ۷) نشان می‌دهد که کیفیت منازل مسکونی که با توجه به جنس مصالح ساختمانی تعیین می‌شود بالاترین میزان جدایی‌گزینی را در میان شاخص‌های مرتبط به ویژگی‌های مسکن در سطح شهر مشهد، به‌خود اختصاص می‌دهد. بعد از کیفیت منازل مسکونی، عمر ساختمان‌ها که به‌صورت مستقیم با مصالح ساختمان‌ها در ارتباط است بالاترین میزان جدایی‌گزینی را دارا می‌باشد؛ بنابراین می‌توان این‌گونه بیان نمود که منازل با کیفیت پایین در محدوده‌های خاصی متمرکز شده‌اند و زمینه جدایی‌گزینی را فراهم ساخته‌اند. از یک‌طرف دلیل این امر را همان‌طور که قبلا نیز ذکر شد؛ می‌توان روند شتابان شهرنشینی و مهاجرت در دهه‌های اخیر به شهر مشهد دانست و از طرف دیگر ضعف سیستم نظام اقتصادی بازار و مدیریت شهری مشهد منجر به عدم توانایی بازار مسکن برای پذیرش این جمعیت شده است.




**شکل ۷: جدایی‌گزینی چندگروهی شاخص‌ها در کلان‌شهر مشهد**

## نتیجه‌گیری

شهر مشهد به‌عنوان دومین کلان‌شهر ایران در طی دهه‌های اخیر به دلیل مهاجرت گروه‌های مهاجر از روستاها و شهرهای دور نزدیک دچار قشربندی‌های اجتماعی و جدایی‌گزینی‌های شهری شده است که این امر به کم‌رنگ شدن هویت فردی شهروندان و کاهش تعاملات بین طبقه‌ای منجر شده است. بررسی جدایی‌گزینی‌های شهری، تصویری از استقرار گروه‌های مختلف و شدت جدایی بین آن‌ها به‌دست می‌دهد که می‌توان با استفاده از آن نقاط جدایی‌گزین شده را شناسایی کرد و با توجه به شرایط هر محیط برای تعدیل این جدایی‌گزینی، راهکارهایی ارائه داد. همان‌طور که در بالا نشان داده شده است نواحی شرقی و مرکزی شهر مشهد در مقایسه با نواحی غربی شهر مشهد از وضعیت به نسبت نامناسب‌تری برخوردارند و قشرهای محروم و ضعیف جامعه اغلب در این نواحی

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]

زندگی می‌کنند. نتایج بیان می‌کند که با حرکت از غرب به شرق شهر، وضعیت‌های مرتبط با شرایط اقتصادی و اجتماعی بدتر می‌شود و نواحی مرکزی تقریبا از شرایط متعادل‌تری برخوردار می‌باشند. در واقع، این‌گونه می‌توان بیان نمود که بین نواحی شرقی و غربی شهر مشهد جدایی‌گزینی‌هایی صورت گرفته است که می‌تواند به تمرکز فقر و محرومیت‌ها و پیامدهای ناشی از آن منجر شود که این خود باعث کاهش تماس‌های بین طبقاتی و افزایش نرخ جرم و جنایت در شهر می‌شود. جدایی‌گزینی گروه‌های مختلف اجتماعی در شهر مشهد با توجه به ویژگی‌های مسکن آن‌ها که حاکی از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی افراد می‌باشد در سطوح مختلفی روی داده است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که جدایی‌گزینی براساس کیفیت منازل مسکونی در سطح جدایی‌گزینی متوسط (بین ۰/۳ تا ۰/٤) قرار دارد و در مقایسه با سایر شاخص‌ها بالاترین میزان و ناهمگون‌ترین نوع پراکنش را به‌خود اختصاص داده است. بعد از شاخص کیفیت مسکن، عمر ساختمان‌ها که در ارتباط مستقیم با شاخص قبلی می‌باشد زمینه‌ساز بالاترین سطح جدایی‌گزینی گروه‌های مختلف جمعیتی بوده است. بالا بودن ضریب جدایی‌گزینی این دو شاخص، حاکی از اهمیت آن‌ها در جدایی‌گزینی گروه‌های مختلف اجتماعی می‌باشد؛ بنابراین از یک‌طرف می‌توان با در نظر گرفتن تسهیلات و تمهیداتی برای گروه‌های محروم که به دلیل سطح اقتصادی پایین ناچار به زندگی در منازل با کیفیت پایین و طول عمر بالا هستند، زمینه را برای کاهش این جدایی‌گزینی ها فراهم کرد و از طرف دیگر می‌توان با تقویت شهرهای کوچک و میانی و روستاها انگیزه مهاجرت به کلان‌شهرها را که اغلب توسط گروه‌های ضعیف به بهانه زندگی و شرایط کاری بهتر روی می‌دهد را، کاهش داد.

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]

**منابع**

- افروخته، ح؛ عبدلی، ا (۱۳۸۸)، «جدایی‌گزینی فضایی و نابهنجاری‌های اجتماعی بافت فرسوده، مطالعه موردی: محله باباطاهر شهر خرم‌آباد»، ***نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی***، شماره ۱۰، صص ۸۱-۵۳.

- افروغ، ع (۱۳۷۷)، «***فضا و نابرابری اجتماعی***»، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

- پاپلی‌یزدی، ح؛ رجبی سناجردی، ح (۱۳۸۹)، «***نظریه‌های شهر و پیرامون***»، تهران، انتشارات سمت.

- رهنما، م (۱۳۷۷)، جدایی‌گزینی فضایی-مکانی شهری «مورد بافت قدیمی شهر مشهد»، ***مجله دانشکده ادبیات مشهد***، شماره اول و دوم، صص ۲۱۸-۲۰۱.

- مشکینی، ا؛ رحیمی، ح (۱۳۹۰)، «جدایی‌گزینی فضایی در مادر شهرها: تحلیل بر جغرافیای اجتماعی مادر شهر تهران»، ***برنامه‌ریزی و آمایش فضا***، شماره ۱۵، صص ۱۰۵-۸۵.

- محمدزاده، م (۱۳۸۸)، «جدایی گزینی فضایی در شهر مشهد با تأکید بر جدایی‌گزینی مسکونی درآمدی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

- Bolt, G., (2006),"Immigrants on the housing market: spatial segregation and relocation dynamics." paper presented at the ENHR conference 'Housing in an expanding Europe:theory, policy,participation and implementation", Slovenia: Ljubljana pub.
- Clark, W., (1991),"Residential preferences and neighborhood racial segregation : a test of the Schelling segregation model", ***Journal of Demography***, 28: 1-19.
- Feitosa, F., Câmara, G., Monteiro, A., Koschitzki, T., Silva, M., (2007), "Global and local indicators of urban segregation", ***Journal of Geogr Inf Sci***, 21, 200-323.
-Feitosa, F., Wissmann, A., (2006), "Social-mix policy approaches to urban segregation in Europe and United States", Bonn: Zentrum fur Entwicklungsforschung,Universtat Bonn.
- Hernandez, G., Guadalupe, M., (2005), "Socio-spatial segregation, Labor market integration and medium income group deterioration in ZacatecasGuadalupe urban zone Mexico", ***Journal of Papeles de Poblacion***, 46: 68-96.
- Iceland, J., Sharpe, C., Steinmetz, E., (2005), "Class differences in african American residential patterns in U. S. metropolitan areas: 1990-2000", ***Journal of Social Science Research***, 34: 252-266.
- Massey, D. S., Denton, N. A., (1998), "The dimensions of residential segregation", ***Journal of Social Forces***, 67: 281–315.
- Massey, D. S., Denton, N., (1987), "Trends in the residential segregation of blacks, Hispanics, and Asians:1970-1980", ***Am Sociol R***, 52: 802-824.
- Massey, D. s., (1985), Ethnic residential segregation: a theoretical synthesis and empirical review. ***Journal of Sociology and Social Research***, 69 (3): 315–350.
- Nightingale, C., (2012), "***Segregation: A Global History of Divided Cities***", New York: The University of Chicago Press.
- Rigby, J., Morrison, P., Callister, P., (2002), "The spatial seperation of work-poor and work-rich households in New Zealand 1986-2001",Vicoria University of Wellington: Institute of Policy Studies.
- Shala, V., Rebecca, Q., (2007), "Ethnic dwelling segregation in rosengård malmö högskola Hälsa och samhälle.[on line]:http://dspace.mah.se/bitstream/handle.

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]

- UN-Habitat., (2001), The state of the World's cities report. Nairobi: UN-Habitat.
- Watts, M. J., (2007**),** "Conceptualising and measuring spatial segregation: the state of play"**,** Conference of Methodology, tools and Techniques, ARC Research Network in Spatially Integrated Social Science (pp. 165-181). Newcastle: Centre of Full Employment and Equity, University of Newcastle. ISBN:9781921166600
- White, M. J., (1983), "The measurement of spatial segregatio", ***American Journal of Sociology***, 88: 1008-1018.
- WONG, D. W. S., (2005), "Formulating a general spatial segregation measure", ***The Professional Geographer***, 57: 285-294.
- Wong, D. W. S., (2003), "Implementing spatial segregation measures in GIS", ***Computers, Environment and Urban Systems***, 27: 53–70.
- Yi, H., (2005), "Socio-spatial segregation in metropolitan nucli areas: A Case study of Nanjing Xilu Street", Tongji University: Shanghai,college of Architecture and Urban Planning,.

[ Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-01 ]